



حضرت آیت الله العظمی جوادی آملی دامت برکاته

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿وَقَالُوا أَإِذَا ضَلَلْنَا فِي الْأَرْضِ أَإِنَّا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ بَلْ هُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ كَافِرُونَ (۱۰) قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي
وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ (۱۱) وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُوا رُؤُوسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ رَبَّنَا ابْصُرْنَا وَسَمِعْنَا فَارْجِعْنَا
نَعْمَلْ صَالِحًا إِنَّا مُوقِنُونَ (۱۲) وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدَاهَا وَلَكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ
أَجْمَعِينَ (۱۳) فَذُوقُوا بِمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا إِنَّا نَسِينَاكُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۱۴)﴾

مروری بر مباحث طرح شده پیرامون قرآن

چون این سوره مبارکه «سجده» در مکه نازل شد و همان طور که ملاحظه فرمودید مطالب محوری سور مکی
اصول دین و خطوط کلی اخلاق و فقه است جریان وحی و نبوت در طلیعه این سوره مطرح شد که قرآن کتابی
است ﴿لَا رَيْبَ فِيهِ﴾^۱ مبدأ فاعلی آن هم رب العالمین است هدفش هم هدایت مردم است هم محتوای کتاب مشخص
شد هم فاعل نازل کننده کتاب مشخص شد و هم هدف تنزیل کتاب بعد به مسئله توحید اشاره کردند که خدا خالق
آسمان و زمین و مجموعه نظام هستی است و آنچه را آفرید به بهترین وجه آفرید بعد به مسئله معاد پرداخت.

عدم اقامه برهان بر انکار معاد توسط مشرکان و علت آن

در جریان معاد فرمود اینها راهی برای نفی معاد و انکار معاد ندارند دلیل ندارند فقط استبعاد می‌کنند می‌گویند انسان که مرده است وقتی می‌میرد در زمین گم می‌شود پراکنده می‌شود^۱ اینها مشکلشان از نظر معرفت‌شناسی همان اکتفای بر حس و تجربه است (يك) و روح مجرد را منکرند (دو) و خیال می‌کنند مرگ، پوسیدن است نه از پوست به در آمدن (سه) تفرقه اجزا را نابودی می‌پندارند (چهار) هیچ کدام از اینها دلیل بر نفی معاد نیست. در سوره مبارکه «قیامت» که بحث آن به مناسبت‌هایی اشاره شد فرمود اینها شبهاتی که دارند بین خود و خدای خود برهانی بر نفی معاد ندارند.

شهوة عملی ریشه استبعاد معاد و پاسخ قرآن به آن

اینها گرفتار شبهه علمی نیستند اینها مبتلا به شهوة عملی‌اند آیه سه سوره مبارکه «قیامت» این است ﴿أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ﴾ همین کسی که قصه‌اش در پایان سوره مبارکه «یس» است که ﴿وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ﴾^۲ استخوانی را از گورستان مکه گرفت به حضور حضرت آورد گفت این استخوان بدن که محکم‌ترین عضو بدن است این به صورت رمیم و پودر در می‌آید خب اگر استخوان رمیم می‌شود سایر اعضا به طریق اولی^۱ پراکنده خواهند شد چه کسی اینها را زنده می‌کند که خدا فرمود: ﴿قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ﴾^۳ در همین زمینه آیه سه به بعد سوره مبارکه «قیامت» می‌فرماید: ﴿أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ﴾ ما نه تنها توان آن را داریم که استخوان‌های او را دوباره برگردانیم ﴿بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ﴾ انگشت‌ها و سرانگشت‌ها و خطوط ریز سرانگشت‌ها که مهم‌ترین عامل شناسایی هر فردی همان انگشت‌مهر اوست ما هر انسانی را با همه خطوط ریز و ظریف سرانگشتش محشور می‌کنیم. بعد فرمود اینها هیچ شبهه علمی

۱. سوره سبأ، آیه ۷.

۲. سوره یس، آیه ۷۸.

۳. سوره یس، آیه ۷۹.

ندارند برای اینکه آن خدایی که اینها هیچ چیزی نبودند به این صورت در آورد الآن که همه چیزش موجود است همان روح به دست فرشته‌هاست که ﴿يَتَوَفَّاهُمْ مَلَكَ الْمَوْتِ﴾ هم بدن ذراتش در عالم هست اینها شبهه علمی ندارند بلکه شهوت عملی دارند ﴿بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ﴾ می‌خواهد جلویش باز باشد چون می‌خواهد جلویش باز باشد روز سؤال و جواب را انکار می‌کند، اگر دلیلی می‌داشت خب طرح می‌کرد ما وقتی آن برهان معاد را ذکر می‌کنیم اینها سرافکنده می‌شوند پس شبهه علمی ندارند مشکل علمی ندارند می‌خواهند امامشان جلویشان باز باشد رها باشند ﴿بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ﴾ از این جهت منکر است. در آیه محل بحث هم فرمود اینها مشکل علمی ندارند ﴿بَلْ هُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ كَافِرُونَ﴾ اگر سؤال این است که چگونه معدوم، موجود می‌شود چیزی معدوم نشده شما فوت نمی‌کنید وفات می‌کنید تمام هویت شما به دست فرشته‌هاست که موکل ما هستند این ملك الموت اگر جنس باشد شامل حضرت عزرائیل (سلام الله علیه) و ملائکه زیرمجموعه اوست اگر خصوص حضرت عزرائیل (سلام الله علیه) باشد آنها هم زیرمجموعه او هستند که ﴿تَوَفَّاهُ رُسُلُنَا﴾^۱ یا ﴿الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ﴾^۲ فرمود: ﴿يَتَوَفَّاهُمْ﴾ شما متوفا می‌شوید فرشته‌هایی که موکل‌اند و مأمورند متوفی‌اند اینها استیفا می‌کنند مستوفیانه جان شما را می‌گیرند هیچ چیزی در زمین نمی‌ماند، می‌ماند بدنتان خب بدنتان در زمین پراکنده است ما دوباره جمع می‌کنیم پس شما مشکل علمی ندارید ولی نمی‌خواهید قیامت را باور کنید چون می‌خواهید جلویتان باز باشد ﴿بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ﴾ لذا ﴿بَلْ هُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ كَافِرُونَ﴾ را اول ذکر فرمود، قبل از اینکه پاسخ شبهه آنها را مطرح کند یعنی بفرماید: ﴿قُلْ يَتَوَفَّاهُمْ﴾ قبل از آن فرمود اینها اصل مهمشان این است که قیامت را نپذیرند اگر قیامت را بپذیرند خب احساس مسئولیت می‌کنند و هر کاری نمی‌کنند هر حرفی را نمی‌زنند اینها می‌خواهند دهندشان، زبانشان، کارشان باز باشد جلویتان باز باشد ﴿بَلْ هُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ كَافِرُونَ﴾ آن‌گاه فرمود: ﴿قُلْ يَتَوَفَّاهُمْ﴾

۱. سوره انعام، آیه ۶۱.

۲. سوره نحل، آیات ۲۸ و ۳۲.

مَلِكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَيَّ رَبُّكُمْ تُرْجَعُونَ ﴿١﴾ پس ضلالت و گم شدن و امثال ذلك نیست نابودی در کار نیست.

اقرار مشرکان به یقین نداشتن در نفی معاد

پرسش:.... پاسخ: نه، هدف اصلی شان اضراب نیست یعنی آن قسمت مهمشان این است مثل ﴿بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجَرًا أَمَامَهُ﴾ که در سوره مبارکه «قیامت» آمده است یعنی هدف اصلی شان، انگیزه مهمشان این است آن را بهانه قرار می دهند آن يك استبعاد است و خود آنها می گویند: ﴿وَمَا نَحْنُ بِمُتَّقِينَ﴾^۱ ما یقین به معاد نداریم می گویند ﴿ذَلِكَ رَجْعٌ بَعِيدٌ﴾^۲ اینها استبعاد دارند نه استحاله، خب اگر کسی مستبعد بود وقتی ذات اقدس الهی برهان اقامه کرد شاهد اقامه کرد بهتر از آن را انجام داد مطابق سوره «روم» که فرمود: ﴿وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ﴾^۳ خب باید بپذیرند عمده همان است که ﴿بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجَرًا أَمَامَهُ﴾.

معدوم نشدن روح انسان با مرگ و اثبات بقای آن

آن گاه فرمود شما در زمین گم نمی شوید در جریان روح که زنده است اختصاصی به مسئله شهدا ندارد آن دو آیه ای که یکی در سوره «بقره»^۴ و دیگری در سوره «آل عمران» است که درباره شهدا (رضوان الله علیهم) آمده است ﴿لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءُ﴾^۵ این چنین نیست که این مخصوص شهدا باشد منتها آن ﴿فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ﴾^۶ یا ﴿يَسْتَبْشِرُونَ﴾^۷ اینها می تواند مختص به آنها باشد ولی بالأخره روح زنده

۱. سوره جاثیه، آیه ۳۲.

۲. سوره ق، آیه ۳.

۳. سوره روم، آیه ۲۷.

۴. سوره بقره، آیه ۱۵۴.

۵. سوره آل عمران، آیه ۱۶۹.

۶. سوره آل عمران، آیه ۱۷۰.

۷. سوره آل عمران، آیات ۱۷۰ و ۱۷۱.

است انسان که می‌میرد یا روح «فی روضة من ریاض الجنة» یا - معاذ الله - «فی حفرة من حفر النيران»^۱ این‌طور نیست که اینها رفتند جبهه آن‌که شهید شد روحش زنده باشد آن‌که پیروز شد روحش زنده نباشد گاهی پیروزی، ثوابش بیش از شهادت است می‌بینید يك ضربت وجود مبارك حضرت امیر (سلام الله علیه) «لضربة علی لعمرو يوم الخندق تعدل عبادة الثقلين»^۲ این چنین نیست که هر شهادتی بالاتر از همه اعمال صالحه باشد بعضی از اعمال صالحه از هر شهادتی هم بالاتر است وجود مبارك حضرت امیر آن شمشیر را که زد بالأخره اسلام را نگه داشت احیا کرد «لضربة علی لعمرو يوم الخندق تعدل عبادة الثقلين» پس روح همه زنده است منتها آنها ﴿فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ﴾ هستند ﴿يُرْزُقُونَ﴾^۳ هستند ﴿يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ﴾^۴ هستند دیگران حالت‌های خاص خودشان را دارند. درباره روح هیچ صحبتی نیست وضعش روشن است.

احتمالات سه‌گانه در تنافی خروج از زمین در قیامت و تبدل آن

عمده درباره جسم است که این سه احتمال در آیه سوره مبارکه «ابراهیم» باید تعیین بشود که خدای سبحان که در سوره «طه» فرمود ما شما را از زمین خلق کردیم دوباره به زمین برمی‌گردانیم بار سوم از زمین در می‌آوریم ﴿مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى﴾^۵ وقتی بخواهد اموات را از زمین در بیاورد این مطابق سوره مبارکه «ابراهیم» در چه مقطعی است آن روایات نورانی که در ذیل این آیه آمده است لابد ملاحظه فرمودید که زمین تبدیل می‌شود «بأرض لم تكتسب عليها الذنوب»^۶ (يك) بعضی از روایات دارد زمین تبدیل می‌شود به کُره نقیه، نان صاف که اهل محشر از آن استفاده می‌کنند و روایات دیگری هم در کیفیت آن زمین هست.^۷

۱. رك: الكافي، ج ۳، ص ۲۴۲.

۲. عوالی اللئالی، ج ۴، ص ۷۶.

۳. سوره آل عمران، آیه ۱۶۹.

۴. سوره آل عمران، آیه ۱۷۱.

۵. سوره طه، آیه ۵۵.

۶. تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۲۳۶.

۷. الأحادیث الطوال (طبرانی)، ص ۹۶.

پرسش: علامه در تفسیرشان دارند یکی از شهود زمین است شهود باید در این دنیا شهود کرده باشند که آنجا شهادت بدهند بنابراین آنجا این زمین باید باشد که شاهد اعمال ما بوده اگر زمین مبدل شود عوض شود چگونه شهادت می‌دهد؟

پاسخ: بله، تبدیل غیر از اعدام و ایجاد است همین حقیقت است مبدل می‌شود به حقیقت کامل‌تر این طور نیست که چیزی از حقیقت، خودش را از دست بدهد این زمین کامل‌تر می‌شود اگر انسانی کامل‌تر شد مشهودات قبلی خود را که از دست نمی‌دهد زمان و زمین شهادت می‌دهند باید هم باشند اما وقتی کامل‌تر شدند بهتر شهادت می‌دهند این طور نیست که مابین بشود تبدیل می‌شود تبدیل غیر از مابینت است وقتی که تبدیل شد یعنی کامل‌تر شد شهادت‌ها را بهتر ادا می‌کند غرض این است که این ﴿إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ * لَمَجْمُوعُونَ إِلَىٰ مِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ﴾^۱ که در سوره مبارکه «واقعہ» آمده است اینها اول محشور می‌شوند روی گره زمین انسان‌ها را از زمین بیرون می‌آورند بعد مجموعه نظام عوض می‌شود این يك احتمال، یا نه اول آسمان و زمین تبدیل می‌شوند به آسمان و زمین دیگر بعد از آن زمین تبدیل شده انسان‌ها را اخراج می‌کنند احتمال دوم، یا همزمان این کار را می‌کنند احتمال سوم، هر کدام از اینها باشد آثار خاص خودش را دارد.

نظری بودن کیفیت معاد و لزوم اعتقاد به مسائل ضروری آن

اینها جزء پیچیده‌ترین مسائل نظری بحث معاد جسمانی است نه ضروری، آنچه ضروری است این است که تمام انسان‌ها زنده می‌شوند طبق روایاتی که از اهل بیت (علیهم السلام) رسیده است طوری که هر کسی در قیامت ببیند آدم می‌شناسد ما این مقدار را یقیناً باید باور داشته باشیم اما خصوصیاتش مربوط به اهل نظر است آنها جزء مسائل نظری و پیچیده است که آنها را از همه ما نخواستند.

﴿قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَّلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ﴾ آن گاه به وجود مبارك پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید شما می بینید مجرمین در قیامت به صورت های خاص در می آیند ﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُوا رُؤُوسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ﴾ اینها سرافکنده اند حالا اینها سرافکنده اند یعنی شرمسارند یا نه، برخی ها چون به صورت حیوان محشور می شوند حیوان يك موجود ناکس الرأس است مستوی القامه که نیست آن انسان است که مستوی القامه است اینکه حیوان باشد ناکس الرأس است آیا این نکس رأس و نکوس رأس در اثر حشر حیوانی اینهاست یا نه، سرافکنده و شرمسارند ﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُوا رُؤُوسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ﴾ آن وقت چه می گویند، می گویند: ﴿رَبَّنَا ابْصُرْنَا﴾ آنچه را قبلاً نمی دیدیم ﴿وَسَمِعْنَا﴾ آنچه را قبلاً نمی شنیدیم ﴿فَارْجِعْنَا﴾ ما را برگردان به جایی که عمل صالح انجام بدهیم ما یقین داریم.

دلیل تفسیر یقین مورد ادعای مجرمان در قیامت به یقین علمی

در بحث دیروز اشاره شد که ﴿إِنَّا مُوقِنُونَ﴾ آیا به این معناست که ما ایمان پیدا کردیم و به این معارف یقین داریم منتها ما را به دنیا برگردان که ﴿نَعْمَلْ صَالِحًا﴾ کما ذهب الیه عدّة منهم سیدنا الاستاد (رضوان الله علیه)^۱ یا نه، ﴿إِنَّا مُوقِنُونَ﴾ یعنی ما یقین علمی داریم نه یقین ایمانی، اشاره شد که این دومی می تواند مراد باشد زیرا در قیامت انسان که مُرد نه می تواند حرف درست بزند که ثواب صدق را ببرد نه می تواند حرف دروغ بزند که کیفر معصیت را داشته باشد چون ثواب و عقاب و اطاعت و عصیان برای شریعت و کتاب و وحی و نبوت است انسان بعد از مرگ وارد صحنه شریعت و کتاب و وحی و نبوت نمی شود فقط صحنه عمل است این بیان نورانی پیغمبر (صلی الله علیه و آله

و سلّم) است که «فإِنَّكُمْ الْيَوْمَ فِي دَارِ عَمَلٍ وَّ لَا حِسَابٍ وَّ أَنْتُمْ غَدًا فِي دَارِ حِسَابٍ وَّ لَا عَمَلٍ»^۱ این مضمون را وجود مبارك حضرت امير در نهج البلاغه هم نقل می‌کند.^۲

اختیاری نبودن فعل مشرکان در قیامت و عدم ترتب ثواب بر آن

اگر فردا که روز قیامت است ایمان و کفر ممکن باشد، ثواب و عقاب ممکن باشد، معصیت و اطاعت ممکن باشد پس شریعتی لازم دارد چون اگر شریعت نباشد به چه معیار ما بگوییم این معصیت است آن اطاعت است. نه آنجا که می‌گویند: ﴿رَبَّنَا ابْصُرْنَا وَ سَمِعْنَا﴾ این صدقی است که ثواب داشته باشد نه آنجا که دروغ می‌گویند کذبی است که معصیت باشد و عقاب جدا داشته باشد این بحث در سوره مبارکه «انعام» گذشت در سوره مبارکه «انعام» آیات ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ فرمود: ﴿وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ تَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا أَيْنَ شُرَكَائُكُمْ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ﴾ از مشرکان سؤال می‌کنیم اینها که فکر می‌کردید شريك الباری هستند چه کاری از آنها ساخته است آنها کجا هستند ﴿ثُمَّ لَمْ يَكُنْ فِتْنَتُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا وَاللَّهِ رَبَّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ﴾ این مشرکین ترفندشان در قیامت این است که ما که مشرک نبودیم. خدا به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلّم) فرمود: ﴿انْظُرْ كَيْفَ كَذَبُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ﴾ نگاه کن چطور دارند دروغ می‌گویند خب شما عمری را به شرك گذرانديد الآن می‌گویید ما مشرک نبودیم یعنی چه ﴿انْظُرْ كَيْفَ كَذَبُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ ضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ﴾ این معنایش این نیست که اینها دروغ گفتند معصیت کردند عقابی روی عقاب‌هایشان می‌آید این معنایش این است که ملکات دنیایی اینها ظهور می‌کند اینها در دنیا عمری را به دروغ گذرانند الآن هم دارند دروغ می‌گویند نه اینکه اگر کسی در قیامت گفت ﴿رَبَّنَا ابْصُرْنَا﴾ ثوابی ببرد کار خوبی باشد بشود حسنه یا اگر بگوییم ﴿مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ﴾ يك عقاب جدایی داشته باشد بشود سيئه، حسنه و سيئه، اطاعت و عصیان برای ظرف شریعت است مثل انسان در عالم خواب يك آدم دروغگو در خواب هم بخواهد حرف

۱. الخصال، ج ۱، ص ۵۱.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۴۲.

بزند دروغ می گوید يك آدم فحاشِ بَدِزبان در خواب هم که می بینید دارد فحش می دهد این روایتی که مرحوم فیض در وافی نقل کرده اصلش برای جلد هشت کافی مرحوم کلینی است که بارها آن روایت خوانده شد که بشرهای اوّلی گرچه می خوابیدند ولی رؤیایی نداشتند انبیا که آنها را به احکام شریعت دعوت می کردند عده ای می پذیرفتند عده ای نمی پذیرفتند آنها که نمی پذیرفتند بهانه شان این بود که انبیا می فرمودند اگر این کار را کردید ثواب می برید اگر نکردید عقاب می برید، آنها می گفتند ثواب و عقاب یعنی چه، چه وقت ثواب می بریم می فرمودند بعد الموت آنها انکارشان بیشتر می شد می گفتند کسی که وارد قبرستان شد که از قبرستان برنگردد خیال می کردند معنای حیات بعدالموت این است که مرده های قبرستان از قبرستان در بیایند بعد مرحوم کلینی این را از معصوم (سلام الله علیه) نقل می کند که خدای سبحان رؤیا را نصیب بشر اوّلی کرد اینها وقتی می خوابیدند چیزهایی می دیدند می آمدند نزد انبیایشان می گفتند اینها چیست که ما در عالم خواب می بینیم انبیایشان می فرمودند اینها که شما در رؤیا می بینید از سنخ آن چیزهایی است که ما به شما می گوییم، شما انتظار نداشته باشید که مرده هایتان از قبرستان بیایند در صحنه بازار و منزل آن يك عالم دیگری است شبیه همین عالم رؤیا^۱ این نمودار و تشبیهی است که بالأخره آن صحنه غیر از این صحنه است انسان در خواب اگر راست گفت ثواب نمی برد دروغ گفت عقاب نمی شود آنچه در خواب می گوید ظهور ملکاتی است که در روز کسب کرده است نه آیه ۲۴ سوره مبارکه «انعام» دلالت دارد که اینها معصیت کردند نه این آیه ای که می گوید ﴿رَبَّنَا ابْصُرْنَا وَسَمِعْنَا﴾ دلیل است بر اینکه اینها اطاعتی می کنند خواسته اینها هم ظهور ملکات اینهاست بر اساس اضطرار، يك آدم بددهن وقتی به دام افتاد دست و پا می زند خب این دست و پا زدنش بر اساس عمل اختیاری نیست که واقعاً چنین چیزی بخواهد در سوره مبارکه «انعام» هم همین مطلب هست وقتی از وجود مبارك امام رضا (علیه السلام) سؤال می کنند آیا خدای سبحان به معدوم علم دارد فرمود به معدومات علم دارد (يك) به ممتنعات علم دارد «علی فرض وجود» (دو) بعد به همین

۱. الکافی، ج ۸، ص ۹۰؛ الوافی، ج ۲۵، ص ۶۴۱.

آیه سوره «انعام» استدلال می‌کند می‌فرماید: ﴿لَوْ رُدُّوْا لَعَادُوْا لِمَا نُهُوْا عَنْهُ﴾^۱ رجوع کفار از جهنم به دنیا محال است برای اینکه دنیا بساطش عوض شد اگر ﴿تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ﴾^۲ بساط دنیا تبدیل شد به آخرت دیگر دنیایی نیست تا اینها برگردند پس رجوع کفار از جهنم به دنیا محال است ولی بر فرض محال، اگر اینها برگردند چه می‌شود را هم باز خدا می‌داند فرمود: ﴿لَوْ رُدُّوْا لَعَادُوْا لِمَا نُهُوْا عَنْهُ﴾ بنابراین آنچه این تبهکاران در قیامت می‌گویند به عنوان يك عمل اختیاری يك فعل اختیاری نیست تا اگر مطابق واقع بود ثواب ببرند مطابق واقع نبود عقاب ببینند نیست این ظهور ملکات دنیایشان است خواستن آنها هم همین‌طور است.

تبیین ادعای بینا و شنوا شدن مجرمان و کور محسور شدن آنها

پرسش: استاد جمع بین آیه ﴿رَبَّنَا أَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا﴾ با آیه سوره «اسراء» که فرمود: ﴿نَحْشُرُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ عُمِيَآ وَبُكْمًا وَصُمًّا﴾^۳ چگونه است؟

پاسخ: بله اینها یا گروه‌های مختلف‌اند کما تقدّم یا مواقف متعدّد است در بعضی از موقف‌ها نمی‌بینند در بعضی از موقف‌ها می‌بینند فرمود وقتی ما اینها را آوردیم به لبه جهنم نشان دادیم می‌گوییم: ﴿أَفْسَحِرْ هَذَا أَمْ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ﴾^۴ آن وقت می‌گویند: ﴿رَبَّنَا ابْصَرْنَا وَسَمِعْنَا﴾ وگرنه اینها در قیامت که در سوره مبارکه «طه» فرمود: ﴿وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى﴾^۵ سه چهار وجه جمع شده یکی از آن وجوه جمع این است که اینها که در دنیا اعما بودند ﴿مَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا﴾^۶ اینها در دنیا از چه نظر اعما بودند يك اعمای ظاهری که نبودند بالأخره چشم داشتند خیلی از چیزها را می‌دیدند اینها نسبت به قرآن و عترت و معارف، اعما

۱. (سوره انعام، آیه ۲۸) ر.ک: عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۱۸.

۲. سوره ابراهیم، آیه ۴۸.

۳. سوره اسراء، آیه ۹۷.

۴. سوره طور، آیه ۱۵.

۵. سوره طه، آیه ۱۲۴.

۶. سوره اسراء، آیه ۷۲.

بودند این همه حسینیّه و مسجد و حوزه‌ها و مراکز فرهنگی و دینی بود اینها را نمی‌دیدند چهار جا مرکز فساد بود فقط آنها را می‌دیدند در قیامت هم همین‌طور است این همه نعمت‌هایی که برای بهشتیان و انبیا و اولیاست آنها واقعاً نمی‌بینند فقط جهنم را می‌بینند این‌طور نیست اینها که کورند جهنم را نبینند اینها که کردند جهنم را نبینند صدای غرّش جهنم را از راه دور می‌شنوند و می‌لرزند اما آن نسیم بهشت به مشام اینها نمی‌رسد در دنیا اینها همین‌طور بودند مسجد و اهل مسجد و جبهه و اهل جبهه را نمی‌دیدند مراکز فساد را می‌دیدند نامحرم را می‌دیدند این دینی‌ها را نمی‌دیدند در قیامت هم بهشت و انبیا و اولیا را نمی‌بینند جهنم و جهنمی‌ها را می‌بینند این معنایش این نیست که واقعاً اینها کورند جهنم را نمی‌بینند همین‌ها را می‌برند به لبه جهنم می‌گویند: ﴿أَفَسِحْرُ هَذَا أَمْ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ﴾ همین‌ها می‌گویند: ﴿رَبَّنَا ابْصُرْنَا وَ سَمِعْنَا﴾ اینها که دیگر به بهشت نمی‌برند که بگویند بهشت را بین. غرض این است که آنچه در دنیا کردند در آخرت گرفتار همان خواهد شد، اینها در دنیا کور بودند نسبت به دین و اهل دین، در آخرت کورند نسبت به بهشت و اهل بهشت در دنیا بصیر بودند نسبت به کفر و معصیت و فسق در آخرت جهنم را به خوبی می‌بینند چه اینکه بهشتی‌ها هم همین‌طور بودند مؤمنین ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يُعْضَوْنَ مِنْ أَبْصَارِهِمْ﴾^۱ یا اصواتشان را کوتاه کنند یا ابصارشان را کوتاه کنند اینها که نامحرم را ندیدند و صدای نامحرم را نشنیدند هرگز صدای جهنم را نمی‌شنوند ﴿لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا﴾^۲ منتها تعبیر قرآن کریم نسبت به اینها مهربانانه است نمی‌فرماید اینها کردند اینها کورند فرمود اینها آن غرّش جهنم را نمی‌شنوند اصلاً احساس نمی‌کنند با اینکه جهنم زفیر و شهیق دارد جهنم درک می‌کند يك آتش بی‌درک نیست از فاصله چندین فرسخ وقتی کافر را می‌بیند نعره می‌زند ﴿إِذَا رَأَوْهُمْ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهَا تَغِيْظًا وَ زَفِيرًا﴾^۳ نه «اذا رأوها» رؤیت را به جهنم و نار جهنم نسبت می‌دهد اینها کاملاً تشخیص می‌دهند می‌فهمند چه کسی دارد می‌آید از فاصله دور وقتی کافر را می‌بینند نعره

۱. سوره نور، آیه ۳۰.

۲. سوره فرقان، آیه ۱۲.

می‌زنند اما همین غرشی که در جهنم هست و جهنمی از فاصله چند فرسخ می‌شنود اولیای الهی اصلاً احساس نمی‌کنند مثل اینکه این همه تبلیغات ماهواره‌ای و مراکز فساد هست اولیای الهی اصلاً اعتنا نمی‌کنند ﴿لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا وَهُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنْفُسُهُمْ خَالِدُونَ﴾^۱.

تصویری از صحنه افتتاحیه قیامت و مواقف پنجاه‌گانه آن

پرسش:.... پاسخ: آن دیگر در صحنه قیامت است نه در جهنم، در صحنه قیامت وقتی ﴿إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ * لَمَجْمُوعُونَ إِلَىٰ مِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ﴾ جمع شدند در این مراسم افتتاحیه قیامت احدی حقّ حرف ندارد ﴿لَّا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا﴾^۲ فقط اهل بیت را استثنا کردند که فقط اینها مجازند به اذن خدا حرف بزنند اینها مجازند به اذن خدا شفاعت کنند اما در مواقف خاص چون پنجاه موقف دارد هر موقعی هم بالأخره شاید هزار سال فاصله داشته باشد این‌طور است گاهی در بعضی از مواقف می‌فرماید ما از کسی سؤال نمی‌کنیم ﴿فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌ﴾^۳ يك موقف است که جای سؤال نیست سکوت محض است يك موقف دیگر است که فرمود: ﴿وَقِفُّهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ﴾^۴ اینها را بازداشت کنید تا از اینها سؤال بکنیم خب ﴿وَقِفُّهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ﴾ بازداشت است برای سؤال کردن این ﴿لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌ﴾ برای يك موقف دیگر است آن برای موقعی است که دیگر حالا حساب‌ها تا حدودی روشن شده چرا سؤال نمی‌شود برای اینکه این معلوم است مجرم است و علامت جرم هم در چهره او هست ﴿يُعَرَفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ﴾^۵ خب برای چه سؤال کنیم قبل از اینکه به این صورت در بیایند در يك جا موقف بازداشت است ﴿وَقِفُّهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ﴾ وقتی که معلوم شد اینها

۱. سوره انبیاء، آیه ۱۰۲.

۲. سوره نبا، آیه ۳۸.

۳. سوره الرحمن، آیه ۳۹.

۴. سوره صافات، آیه ۲۴.

۵. سوره الرحمن، آیه ۴۱.

محکوم اند آثار جرم در اینها روشن شد ﴿فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ﴾^۱ شد فرمود اینجا دیگر جای سؤال نیست چون این شخص را می شناسند چه کسی است ﴿لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ﴾ چرا؟ چون ﴿يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ﴾ بنابراین این پنجاه موقف هر کدام حکم خاص خودش را دارد گاهی جای سؤال است گاهی جای سؤال نیست، گاهی جای اذن است گاهی جای اذن نیست، گاهی جای گفتن است گاهی جای گفتن نیست. فرمود اینها که می گویند: ﴿فَارْجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحاً﴾ یعنی ما یقین علمی داریم اینکه فرمود در قرآن ﴿نَعْمَلْ صَالِحاً﴾ این عمل، اعم از عمل جانحی و جارحی است ایمان يك عمل جانحی است که بین نفس و ایمان، اراده فاصله است انسان باید بپذیرد و عمل جارحی هم مشخص است.

پرسش: ... پاسخ: خب اگر قاصر باشد و واقعاً تکلیف به او نرسیده باشد که مسئول نیست ولی خیلی ها مقصّرند آنها که جاهل مقصّرند مسئول اند اگر کسی واقعاً حجت الهی به او نرسیده باشد ﴿إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا﴾^۲ آنها خب مسئول نیستند اما اکثری مردم مخصوصاً در شرایط کنونی حجت بر آنها تمام می شود.

پرسش: ... پاسخ: نه، این یقین، یقین علمی است نه یقین ایمانی؛ یعنی یقین پیدا کردند اما اگر بخواهند به این یقین اعتنا کنند و ترتیب اثر عملی بدهند باید به ظرف شریعت برگردند ظرف شریعت ظرف دنیاست.

عدم ترتب اثر بر ایمان اضطراری صحنه قیامت مجرمان

پرسش: ... پاسخ: ﴿لَمْ تَكُنْ أَمَنْتَ مِنْ قَبْلُ﴾ (يك) ﴿أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا﴾^۳ (دو) یعنی «لم تكن كسبت في إيمانها» آن آیه هم همین مطلب را می گوید، می گوید روزی می رسد که ایمان فایده ندارد چرا فایده ندارد برای اینکه ایمان باید بر اساس اختیار باشد ایمان اضطراری که ایمان نیست ایمان اضطراری که سودمند نیست یا قبلاً ایمان آورده

۱. سوره الرحمن، آیه ۴۱.

۲. سوره نساء، آیه ۹۸.

۳. سوره انعام، آیه ۱۵۸.

«ما کسبت فی ایمانها خیرا» عمل صالح نداشت این هم سودمند نیست هر دو برای گذشته است نه اینکه آن روز ایمان بیاورد یومی فرا می‌رسد که ﴿لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ﴾ یعنی ایمان قبلی مفید است نه ایمان فعلی، ایمان قبلی بر اساس اختیار است ایمان فعلی بر اساس اضطرار است ایمان اضطراری مثل آدمی است که دارد چوب می‌خورد می‌گوید قبول دارم اما همین که برگردد باز همان معصیتش را می‌کند.

شمول رحمت الهی بر جاهلان قاصر و عدم امتحان آنها در قیامت

پرسش: در آن دنیا اصلاً آزمایش هم نمی‌شود؟

پاسخ: نه، آنجا جا برای امتحان نیست حالا برای بعضی از افراد مثل صبیان وارد شده است اما در آنجا جا برای آزمایش نیست این ﴿مُرْجَوْنَ لِأَمْرِ اللَّهِ﴾^۱ است یعنی «مؤخرون لأمر الله» یقیناً عذاب نمی‌کند برای اینکه حجت بر اینها بالغ نشده ﴿فَارْجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا إِنَّا مُوقِنُونَ﴾.

دو احتمال دنیایی، مقصود از هدایت در آیه ﴿وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدَاهَا﴾

بعد فرمود اینها که این درخواست را می‌کنند ﴿وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدَاهَا﴾ ما اگر بخواهیم آن قدرت را داریم که هدایت هر کسی را به او عطا کنیم وجوهی برای این جمله گفته شد یکی اینکه ما اگر بخواهیم با اجبار و اضطرار هر کسی را مؤمن بکنیم می‌توانیم ﴿وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مَنْ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا﴾^۲ را هم به همین سبک گرفتند؛ یعنی ما اگر بخواهیم بر اساس اراده تکوینی، قلب همه افراد را متوجه ایمان بکنیم می‌توانیم بکنیم اما این دیگر با جزا و بهشت و جهنم و تکلیف و شریعت و اینها هماهنگ نیست بنابراین این احتمال نمی‌تواند مراد باشد (یک) ﴿وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدَاهَا﴾ ما اگر بخواهیم هدایت هر کسی را به او عطا می‌کنیم یعنی به او توفیق می‌دهیم گرایشی در قلبش ایجاد می‌کنیم که او با اختیار و اراده خودش این کار را بکند (دو) این ممکن است ذات

۱. سوره توبه، آیه ۱۰۶.

۲. سوره یونس، آیه ۹۹.

اقدس الهی این کار را هم می‌کند اما نسبت به کسی که مقداری از این راه را آمده باشد (يك) و درباره کسی که تنبّه در او باشد (دو) اما نسبت به کسانی که ﴿سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾^۱ که اینها دین و معارف دین را به استهزا گرفتند این فیض الهی را ذات اقدس الهی رایگان چرا تلف بکند فرمود ما به اینها عقل دادیم فطرت دادیم وحی فرستادیم حجت الهی بر اینها بالغ شد صبر کردیم در توبه را باز کردیم اینها ﴿بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ﴾^۲ خب ما به اینها چه توفیقی بدهیم اینها خودشان راه جهنم را انتخاب کردند این دو احتمال، این دو احتمال مربوط به دنیا است، پس احتمال اول که جناب زمخشری و امثال زمخشری آن را ذکر کردند و در مجمع‌البیان مرحوم امین‌الاسلام هم هست این راجع به الجاء است یعنی ما اگر بخواهیم با اجبار اینها را به دین گرایش بدهیم می‌توانیم^۳ خب این کار را البته می‌تواند ولی با تکلیف و با شریعت و اینها هماهنگ نیست احتمال دوم که سیدنا الاستاد (رضوان الله علیه) و همفکرانشان متمایل اند این است که ما اگر بخواهیم طبق توفیق الهی هر کسی را هدایت بکنیم که او با اختیار خودش با میل خودش این راه را برود این کار را می‌توانیم بکنیم می‌توانیم توفیق بدهیم^۴ اما حیف این نعمت توفیق که به هر کسی داده بشود ما بارها راهنمایی کردیم این همه مِنْ ابتدایی نسبت به او داشتیم او بی‌اعتنایی کرد.

دو احتمال مربوط به قیامت در آیه ﴿وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدَاهَا﴾

دو احتمال می‌ماند غیر از این دو احتمال گذشته که اینها مربوط به قیامت است آن دو احتمال یکی این است که در قیامت ما اگر بخواهیم اینها را به بهشت می‌بریم آن البته ممکن است «لَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدَاهَا إِلَى الْجَنَّةِ»^۴ البته بعید است ولی این ممکن است هر کسی را خدا بخواهد می‌تواند بهشت ببرد. احتمال چهارم این است که ﴿لَوْ

۱. سوره بقره، آیه ۶؛ سوره یس، آیه ۱۰.

۲. مجمع‌البیان، ج ۸، ص ۵۱۵؛ الکشاف، ج ۳، ص ۵۱۰.

۳. المیزان، ج ۱۶، ص ۲۵۳.

۴. رك: مجمع‌البیان، ج ۸، ص ۵۱۵.

شَيْئًا لَا تَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُذَاهَا﴾ یعنی به خواسته اینها که گفتند: ﴿فَارْجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا﴾ عمل بکنیم^۱ این احتمال چهارم را که برخی ها نقل کردند این دیگر ممتنع است برای اینکه دنیایی در کار نیست تا اینها را به دنیا برگردانند بنابراین می ماند همین سه احتمال یاد شده ﴿وَلَكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ﴾.

مکلف بودن جن و انس و امکان جهنمی شدن از هر دو گروه

مکلفین دو قسم اند بعضی جن اند بعضی انس اند، جن در آنها مسلمان هست شیعه هست منافق هست کافر هست مستضعف هست مثل انسان، آنها هم حجت بالغه دارند و حجت آنها هم البته انسان است از قرآن کریم برنی آید که آنها دارای انبیا هستند که مثلاً از جنس خود آنها باشد اما همان پیامبران الهی که از انسان اند مبعوث الی الجن و الانس هستند.

پرسش:.... پاسخ: با انبیا ارتباط دارند وجود مبارك سليمان نموداری از این کارهاست که فرمود ما جن را مسخر کردیم برای او، دیگران هم همین طور بودند منتها درباره حضرت سليمان شفاف تر و روشن تر بود غواصین بودند^۲ کارها را انجام می دادند ﴿يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَّحَارِبَ وَتَمَاثِيلَ﴾^۳ جن ها در اختیار او بودند و الآن هم در اختیار وجود مبارك ولی عصر (سلام الله علیه) هستند می آیند دستور می گیرند اطاعت می کنند و بعضی ها هم معصیت دارند.

به فراموشی رفتن گنهکاران در قیامت محصول فراموشی آیات الهی

حالا اینها دو کار کردند یکی اینکه - معاذ الله - اصل قیامت را منکر بودند یکی اینکه تن به هر تباهی دادند معصیت می کردند خدای سبحان در برابر هر دو کارشان کیفر اینها را به اینها می دهد از اینکه فرمود: ﴿بَلْ هُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ كَافِرُونَ﴾ فرمود: ﴿فَذُوقُوا بِمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا﴾ ﴿نَسِيتُمْ﴾ یعنی «ترکتم» نه اینکه شما فراموش کردید

۱. رك: مجمع البيان، ج ۸، ص ۵۱۵.

۲. سورة انبياء، آیه ۸۲.

۳. سورة سبأ، آیه ۱۳.

﴿إِنَّا نَسِينَاكُمْ﴾ هم از همین قبیل است در سوره مبارکه «طه» گذشت که وقتی عده‌ای در قیامت می‌گویند ﴿رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا﴾ می‌فرماید: ﴿كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيتَهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى﴾^۱ ﴿فَنَسِيتَهَا﴾ یعنی این آیات ما را ترك كردی امروز هم متروك ما هستی وگرنه خدا كه نسیان پذیر نیست عقلاً محال است و نقلاً هم ممكن نیست عقلاً محال است برای اینکه علم، عین ذات خدای سبحان است اگر علم برداشته بشود یعنی ذات برداشته شده مگر ممكن است در آنجا نسیان راه پیدا كند اگر علم، ذاتی نبود بله ممكن است گاهی فراموش كند اما اگر علم، عین ذات کسی بود وقتی علم رفت غفلت آمد یعنی ذات رفت لذا عقلاً محال است كه ذات اقدس الهی فراموش بكند نقلاً هم ممكن نیست برای اینکه صریح قرآن کریم این است كه ﴿وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا﴾^۲ نسیان درباره خدا مستحيل است خب اینکه فرمود: ﴿إِنَّا نَسِينَاكُمْ﴾ یعنی «تركناكم» در سوره مبارکه «طه» كه فرمود آیات ما آمده است ﴿فَنَسِيتَهَا﴾ نه اینکه فراموش كردید وگرنه «رُفِعَ عَنْ أُمَّتِي تِسْعَةٌ» یکی هم نسیان است^۳ «نَسِيتَهَا» یعنی «تركتها عمداً» امروز هم ﴿كَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى﴾ «تُتْرَكُ عمداً» اینجا هم كه فرمود: ﴿إِنَّا نَسِينَاكُمْ﴾ یعنی همان طوری كه تو عمداً ترك كردی ما هم لطف نسبت به تو را عمداً ترك می‌كنیم.

پرسش: خلاف ظاهر است؛ در طرف واجب، معقول نیست ولی در طرف ممكن كه ممكن است؟

پاسخ: نه، طرف ممكن بعد از اینکه فرمود اینها ﴿بَلِقَاءِ رَبِّهِمْ كَافِرُونَ﴾ خب اگر کسی این طور باشد كه خدای سبحان عذاب نمی‌كند صریح دین این است كه «رُفِعَ عَنْ أُمَّتِي تِسْعَةٌ» یکی‌اش نسیان است آن وقت چگونه ذات اقدس الهی می‌فرماید چون تو فراموش كردی باید عذاب بچشی این معلوم است كه نسیان به معنای فراموشی نیست مثل همان آیه سوره مبارکه «طه» كه گذشت فرمود اینها كه در دنیا كور بودند ﴿تُحْشَرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى﴾ اینها می‌گویند: ﴿رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا﴾ جواب می‌فرماید: ﴿كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيتَهَا﴾ نه اینکه

۱. سوره طه، آیات ۱۲۵ و ۱۲۶.

۲. سوره مریم، آیه ۶۴.

۳. التوحید (شیخ صدوق)، ص ۳۵۳.

فراموش کردی خب اگر کسی فراموش بکند که در قیامت کور محشور نمی شود فرمود: «رُفِعَ عَنْ أُمَّتِي تِسْعَةٌ» این ﴿فَنَسِيَهَا﴾ یعنی عمداً ترك کردی عمداً رها کردی لذا الآن هم منسی می شوی اینجا هم متروك می شوی.

چشیدن عذاب قیامت ثمره انکار معاد توسط مشرکان

از اینکه فرمود: ﴿بَلْ هُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ كَافِرُونَ﴾ نسبت به آن فرمود: ﴿فَذُوقُوا بِمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا إِنْ نَسِيتُمْ﴾ (يك) و از اینکه به تباهی و معصیت تن در دادند فرمود: ﴿وَذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ شما هم از نظر عقیده سوء فاعلی داشتید هم از نظر عمل سوء فعلی هم آدم بدی بودید هم کار بد کردید چون آدم بدی بودید ﴿فَذُوقُوا بِمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا﴾ به خاطر کفرتان، چون کار بد کردید ﴿ذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ فرمود اینها را نه صرفاً در اثر معاصی شان مخلّد می کنم بلکه در اثر آن کفر آمیخته با معصیت و معصیت آمیخته با کفر مخلّدند وگرنه اگر کسی موحد باشد و معصیت کرده باشد به اندازه معصیتش عذاب می بیند بعد آزاد می شود که «أَعَاذَنَا اللَّهُ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا وَ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا».

«و الحمد لله رب العالمين»